

## فعل‌های چندپاره زبان فارسی

آزاده میرزائی\*

استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۳۰)

### چکیده

در رده‌شناسی ساخت‌واژی، زبان‌ها بر اساس نحوه انتقال رابطه‌های دستوری چون زمان، نمود، جنس و مانند آن به سه گروه زبان‌های تصریفی، پیوندی و تحلیلی تقسیم شده‌اند. بر این اساس در بحث فعل، ویژگی‌های دستوری شخص و شمار، زمان، وجه، نمود، مفهوم سبب، گذرایی و مانند آن در زبان‌ها یا به وسیله وندافزایی یا با تغییر در ریشه و یا با استفاده از واژه‌ای مجزا بیان می‌شود. در زبان فارسی این مفاهیم عمدتاً با استفاده از واژه‌ای مستقل و جدا از بخش گزاره‌ای فعل بیان می‌شود و در بحث تصریف فعل، زبان فارسی را می‌توان تحلیلی دانست. در این پژوهش، نحوه انتقال مفاهیم دستوری مرتبط با تصریف فعل در زبان فارسی در چارچوب نقش و ارجاع ون‌ولین (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفته است. در رویکرد نقش و ارجاع، محمول بند در سطح هسته جمله، به وسیله یکی از روابط پیوند شامل همپایه‌سازی، ناهمپایه‌سازی و یا شبه‌ناهمپایه‌سازی ساختاربندی می‌شود. بر همین اساس، در این پژوهش با فرض تحلیلی بودن زبان فارسی از جهت انتقال معناهای دستوری مرتبط با تصریف فعل، نحوه تشکیل فعل در سطح اتصال‌های هسته‌ای در دستور نقش و ارجاع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** فعل‌های چندپاره، رده‌شناسی، وجه، نمود، اتصال هسته‌ای، دستور نقش و ارجاع.

---

\* E-mail: mirzaei.azade@gmail.com

### ۱. مقدمه

در افعال ساده، محتوای معنایی فعل و ویژگی‌های دستوری آن شامل زمان، نمود، وجه و مطابقت شخص و شمار، همگی در یک صورت بسیط تظاهر می‌یابند؛ برای مثال، در فعل «نوشتیم» محتوای معنایی «نوشتن»، زمان گذشته، نمود کامل و مطابقت اول شخص مفرد همگی در یک صورت فعلی و به صورت تصریفی مشخص است.

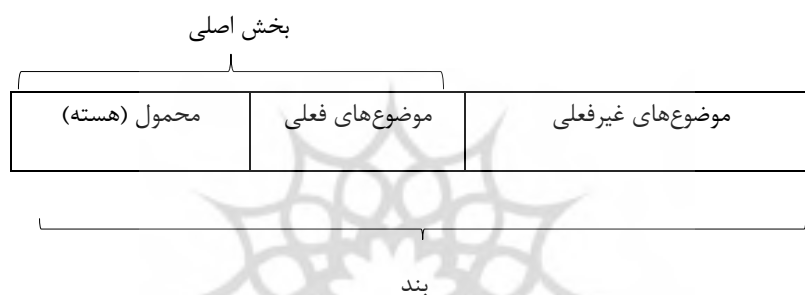
در زبان فارسی ممکن است ویژگی‌های دستوری فعل و محتوای معنایی آن، به‌طور کامل و یا به صورت بخشی از ویژگی‌ها، از هم جدا شوند. برای مثال، در فعل «پیوست کردم» محتوای معنایی «پیوست»، با فعل سبک «کرد» همراه شده و به اصطلاح، فعل مرکب ساخته است. «پیوست»، بخش محتوایی فعل و «کردن»، جنبه‌های دستوری فعل را بر خود حمل می‌کند؛ البته ممکن است خود فعل سبک نیز کاملاً از معنی تهی نباشد و در عین ایفای نقش در ارائه ویژگی‌های دستوری فعل، بخشی از محتوای معنایی فعل را نیز بر خود حمل کند. این ویژگی از خوی تحلیلی بودن زبان فارسی ناشی می‌شود.

در زبان فارسی به‌جز این موارد، گاه با صورت‌های فعلی چندبخش یا چندپاره‌ای مواجه می‌شویم که در آنها بخش معنایی فعل به صورت جدا عنوان می‌شود و بخش دستوری نیز در هیئت صورت و یا فعلی مرکب ظاهر می‌گردد و به این ترتیب، ویژگی‌های دستوری فعل نیز از هم گسسته شده، در صورتی غیربسیط تظاهر می‌یابند. همچنین، مواردی وجود دارد که علاوه بر بخش دستوری، محتوای معنایی نیز چندپاره می‌شود و هم‌زمان بیش از یک گزاره فعلی مطرح می‌گردد. در این صورت‌های چندپاره، چه بیش از یک صورت فعلی با معنای گزاره‌ای مستقل در کنار هم قرار گیرند و چه بخشی، معنای گزاره‌ای داشته باشد و بخش یا بخش‌های دیگر معنای دستوری داشته باشند، در هر حال پس از تشکیل صورت چندبخشی، همچنان یک ردیف موضوع معنایی واحد اختیار می‌شود.

در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن تأکید بر تحلیلی بودن زبان فارسی بر مبنای دستور نقش و ارجاع ون‌ولین<sup>۱</sup>، طبقه‌بندی‌ای از این گروه از افعال به دست دهیم.

## ۲. پیشینهٔ تحقیق

در چارچوب رویکرد نقش و ارجاع ون‌ولین (۱۹۹۸ و ۲۰۰۵) هر جمله در چند بخش قابل تحلیل است. در پایین‌ترین سطح، محمول جمله را داریم که هسته<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. مجموعهٔ هسته و موضوع‌های آن، بخش اصلی<sup>۳</sup> را تشکیل می‌دهد. بخش اصلی به همراه افزوده‌ها بند را می‌سازد و نهایتاً بند به همراه سازه‌های پیشاینده یا پساینده، قیده‌های جمله، سازهٔ مبتدا و کانون، جمله را تشکیل می‌دهند.



### شکل ۱: ساختار درونی بند

ویژگی‌های دستوری و به عبارتی عملگرهای<sup>۴</sup> محمول فعلی، در مرتبه‌ای جدا از موضوع‌ها و افزوده‌ها قرار می‌گیرند (شکل ۳). عملگرهای فعل می‌توانند هم به‌عنوان ویژگی واژگانی فعل نمود پیدا کنند (مانند نمود واژگانی)، هم در نمایش ساخت‌واژی ظاهر شوند و هم به صورت واژه‌ای مستقل تظاهر یابند. لازم به توضیح است که عملگرها بر سطوح مختلفی از بند (شامل هسته، بخش اصلی، بند و جمله) سیطره دارند و می‌توان آنها را بر این اساس دسته‌بندی کرد.

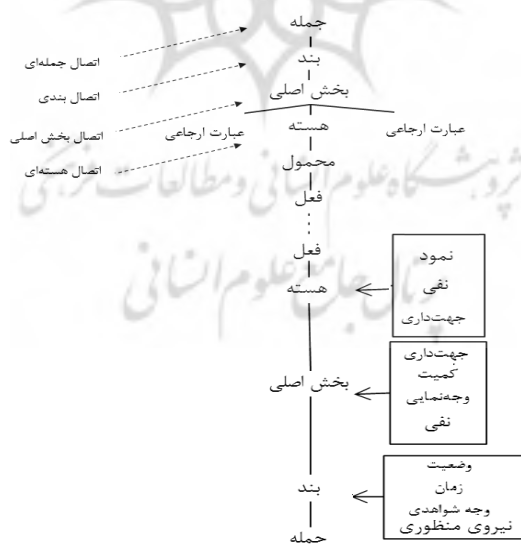
در رویکرد نقش و ارجاع، ون‌ولین (۲۰۰۵: ۱۸۷) سه نوع پیوند را معرفی می‌کند: همپایه‌سازی، ناهمپایه‌سازی و شبه‌ناهمپایه‌سازی. در همپایه‌سازی، واحدهای مستقل بدون درونه‌گیری در کنار هم قرار می‌گیرند؛ در ناهمپایه‌سازی، یک واحد وابسته در واحد دیگر درونه‌گیری می‌شود؛ نهایتاً در شبه‌ناهمپایه‌سازی (که فرانکلین<sup>۵</sup> (۱۹۷۱) و اولسون<sup>۶</sup> (۱۹۸۱) آن را معرفی کرده‌اند)، صورت‌هایی

تولید می‌شوند که از نظر صوری شبیه به واحدهای همپایه عمل می‌کنند، اما در رفتار نحوی، همانند صورت‌های ناهمپایه به بخش دیگر وابسته‌اند.



شکل ۲: انواع روابط پیوند (ون‌لین، ۲۰۰۵: ۱۸۸)

علاوه بر این سه پیوند، ون‌لین بر پایه ساخت لایه‌ای<sup>۷</sup> در دستور نقش و ارجاع سه نوع اتصال<sup>۸</sup> را معرفی می‌کند. این سه نوع اتصال عبارت‌اند از: اتصال هسته‌ای<sup>۹</sup>، اتصال بخش اصلی<sup>۱۰</sup> و اتصال بندی<sup>۱۱</sup> (همان: ۱۸۸ و ون‌لین و لاپولا<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۷: ۴۴۲).



شکل ۳: ساخت لایه‌ای و انواع روابط اتصال

در این معنا مطابق تعریف ون‌ولین، در اتصال هسته‌ای، دو یا بیشتر از دو هسته با هم ترکیب می‌شوند و با اختیار کردن ردیفی از موضوع‌های معنایی واحد، هستهٔ فعلی مرکبی را تشکیل می‌دهند.

1. Fu fasefiisoe.

3sg letter sit write

'He sat writing a letter.'

در مثال بالا از زبان بارایی<sup>۱۳</sup> دو هستهٔ فعلی «fase» و «isoe» در کنار هم هستهٔ فعلی مرکبی را به وجود آورده‌اند و با هم یک ردیف موضوع فعلی را اختیار کرده‌اند.

2. Je ferai manger les gâteaux ´a Jean.

1sg make.FUT eat the cakes to John

'I will make John eat the cakes.'

در اتصال بخش اصلی، دو یا بیشتر از دو هسته با هم ترکیب می‌شوند. هر یک از این هسته‌ها موضوع‌های خودش را دارد و ترکیب آنها با هم یک بند واحد را تشکیل می‌دهد.

در ادامه، تلاش می‌کنیم تا با مبنا قرار دادن رویکرد ون‌ولین، طبقه‌بندی‌ای از افعال چندبخشی زبان فارسی، چه در مفهوم صورت‌های ترکیبی دستوری و چه در مفهوم صورت‌های ترکیبی معنایی، به دست دهیم؛ به بیان دیگر، تلاش داریم تا مفاهیم دستوری مستقل (عملگرها) را نیز در قالب پیوندهای دستوری قرار دهیم و آنها را در قالب رویکرد ون‌ولین بررسی کنیم.

### ۳. بررسی داده‌ها

بررسی پیکره‌بنیاد ترکیبات فعلی در زبان فارسی حاکی از آن است که انواع معناهای رابطه‌ای مرتبط با فعل، در زبان فارسی به صورت ترکیبی افراطی و با استفاده از یک واژهٔ مستقل می‌تواند صورت‌بندی شود. به این ترتیب، در کنار دو مفهوم مجهول‌سازی و زمان آینده که به‌عنوان

نماینده‌ای از صرف تحلیلی از آن یاد می‌شود، از مفاهیم وجه، نمود و منفی‌سازی، به تفصیل و در قالب اصطلاحی پوششی با نام افعال چندپاره سخن خواهیم گفت.

در افعال چندپاره دستوری، محتوای معنایی فعل و مفهوم گزاره‌ای آن از معنای دستوری فعل شامل وجه، نمود، زمان، منفی‌سازی و غیره جداست؛ به این ترتیب، مفهوم گزاره‌ای فعل به صورت یک اسم گزاره‌ای در کنار صورت فعلی قرار می‌گیرد که معنای دستوری را در ارتباط با فعل معرفی می‌کند.

طبق تعریف ون‌ولین، رفتار هسته‌های فعلی پس از پیوند در ارائه یک دسته موضوع واحد برای یک هسته فعلی مرکب و یا ردیف‌های متفاوت از موضوع‌ها برای اجزای پیوند، ملاک دسته‌بندی این گروه از صورت‌های زبانی به اتصال هسته‌ای یا اتصال بخش اصلی است، اما آن‌گونه که از مثال‌ها برمی‌آید، عوامل دیگری چون هم‌جواری هسته‌های فعلی نیز می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

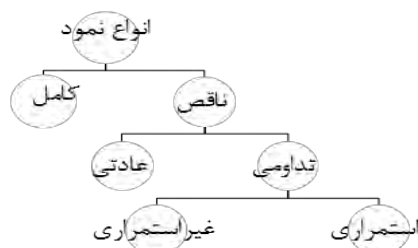
در این پژوهش، ملاک نخست ون‌ولین در دستور کار قرار گرفته و بر اساس آن، افعال زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ به این ترتیب، در صورت‌بندی عملگرها، ترکیب‌های حاصل از معنای گزاره‌ای فعل و معنای دستوری مرتبط با آن، با استناد به اینکه پس از ترکیب، ردیف واحدی از موضوع‌ها را اختیار می‌کنند، اتصال هسته‌ای در نظر گرفته شده‌اند. در این ترکیب‌ها، عملگرها که اساساً سیطره‌شان بر لایه‌های مختلف بند است، با ظاهر فعل تمام‌عیار ویژگی‌های دستوری فعل را مشخص می‌کنند.

### ۳-۱. نمود

نمود ویژگی‌ای از فعل است که به میزان پیشرفت فعل به‌طور کلی و یا بازه‌های زمانی‌ای که فعل در آن جریان دارد، اشاره می‌کند؛ به این ترتیب، نمود فعل در یک معنا به لحظه شروع، پایان و یا تداوم رویداد فعلی اشاره می‌کند و در معنایی دیگر، به کامل بودن روند کار و یا در جریان بودن آن به معنای ناقص بودن آن اشاره دارد.

کامری<sup>۱۴</sup> (۱۹۷۶: ۳) نمود را به‌عنوان روش‌های متفاوتی در نظر می‌گیرد که می‌توانیم برای ساختاربندی درونی زمان در هر موقعیت در نظر بگیریم. او نمود را در تقسیم‌بندی کلی به دو بخش

کامل و ناقص تقسیم می‌کند و علاوه بر آن، در خصوص نمود معنایی و مشخصاً در خصوص لحظه‌ای بودن یا مدت‌مند بودن برخی اقلام زبانی نیز صحبت می‌کند (همان: ۴۱).



شکل ۴: طبقه‌بندی انواع نمود: کامری، ۱۹۷۶: ۲۵

در زبان فارسی، پیشوند «می-» کامل نبودن رویداد فعلی را نشان می‌دهد و پسوندهای «-ام»، «-ای»، «-است»، «-ایم»، «-اید» و «-اند» کامل بودن رویداد فعلی را با تصریف منتقل می‌کنند. برای سایر امکانات نمودی در زبان فارسی، پسوند یا پیشوندی وجود ندارد و این معناهای رابطه‌ای با استفاده از امکانات ترکیبی منتقل می‌شوند. در ادامه، دسته‌بندی‌ای از این معنی‌ها ارائه می‌شود.

### ۳-۱-۱. نمود ناقص و در جریان بودن کار

صورت‌های فعلی «در حال  $x$  بود»، «مشغول به  $x$  بود»، «درگیر  $x$  بود» و «گرم  $x$  بود»، «داشت  $x$ » یا «دارد  $x$ » در جریان بودن کار را نشان می‌دهند و در این شرایط، نمود استمرار با مفهوم گزاره‌ای فعل با هم جمع می‌شوند و به صورت یک ترکیب فعلی واحد، یک ردیف موضوع فعلی واحد را ارائه می‌کنند.

در ترکیب‌های «در حال  $x$  بود»، «مشغول به  $x$  بود»، «درگیر  $x$  بود» و «گرم  $x$  بود»، مفهوم استمرار توسط «در حال»، «مشغول»، «درگیر» و «گرم» نشان داده می‌شود، « $x$ » نشان‌دهندهٔ مفهوم گزاره‌ای فعل است و «بودن» مسئولیت انتقال مشخصه‌های زمان و شخص و شمار فعل را بر عهده دارد.

۳. علی در حال نوشتن نامه‌ای برای دوستش است.

در حال نوشتن است. [علی، نامه، برای دوستش]

در حال = مفهوم استمرار

نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل

است = زمان حال، سوم شخص مفرد

در صورت فعلی «داشت x» و صورت زمان حال آن، فعل «داشتن» نشان‌دهنده در جریان بودن کار و «x» نشان‌دهنده محتوای گزاره‌های فعل است و مشخصه‌های شخص و شمار و زمان در هر دو بخش به صورت مستقل بیان می‌شود.

۴. علی دارد برای دوستش نامه‌ای می‌نویسد.

دارد می‌نویسد [علی، نامه، برای دوستش]

دارد = مفهوم استمرار، زمان حال، سوم شخص مفرد

می‌نویسد = محتوای گزاره‌ای فعل، زمان حال، سوم شخص مفرد

### ۳-۱-۲. نمود آغازی

در صورت‌های فعلی «قدم به x کرد»، «شروع به x کرد»، «آغاز به x کرد»، «دست به x زد»، «به x پرداخت» و «مبادرت به x ورزید»، شروع یک کنش مطرح است. در این صورت‌های فعلی، نمود آغازی و مفهوم گزاره‌ای فعل در کنار هم قرار گرفته‌اند و با اختیار کردن ردیفی از موضوع‌های فعلی واحد، صورتی ترکیبی به دست داده‌اند. در صورت‌های فعلی «قدم/شروع/آغاز به x کرد»، نمود آغازی توسط «قدم»، «شروع» و «آغاز» نشان داده می‌شوند. «x» دربردارنده مفهوم گزاره‌ای فعل است و «کرد» مشخصه‌های زمان، شخص و شمار فعل را منتقل می‌کند.

۵. علی اقدام به نوشتن نامه‌ای برای دوستش کرد.

اقدام به نوشتن کردن. [علی، نامه، برای دوستش]

اقدام = مفهوم نمود آغازی

کرد = زمان گذشته، سوم شخص مفرد

نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل



نغزگوی کهن (۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۷) صوت‌های فعلی «گرفت نشست»، «برگشت گفت» و «برداشت نوشت» را نیز از ترکیب‌های فعلی نشانگر نمود آغازی معرفی می‌کند. بر این اساس، افعال «گرفت»، «برگشت» و «برداشت» علامتی برای بیان نمود آغازی هستند و بخش دوم ترکیب شامل «نشست»، «گفت» و «نوشت»، محتوای گزاره‌ای آن را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر این موارد، می‌توان به صورت‌های «پاشد آمد»، «درآمد گفت» و «زد آمد» نیز اشاره کرد. در این ترکیب‌ها نیز، بخش اول، یعنی «پاشد»، «درآمد» و «زد»، بیانگر نمود فعل است و بخش دوم، یعنی «آمد»، «گفت» و «آمد»، محتوای گزاره‌ای فعل را نشان می‌دهد.

۶. دیگر تعطیلات رو به پایان است، فردا می‌زنم می‌آیم.

زدن آمدن / من]

زدن = نمود آغازی، زمان حال، اول شخص مفرد

آمدن = محتوای گزاره‌ای، زمان حال، اول شخص مفرد

### ۳-۱-۳. نمود انجام یا توقف کار

در صورت‌های فعلی «دست از x کشید»، «دست از x برداشت» و «به x پایان / خاتمه داد»، مفهوم پایان یافتن و توقف کار با معنای گزاره‌ای همراه می‌شود و ترکیب حاصل یک گروه، موضوع فعلی واحد را که به «x» تعلق دارد، عرضه می‌کند. در صورت‌های فعلی مذکور، «دست کشید»، «دست برداشت» و «پایان داد»، نشان‌دهندهٔ مفاهیم دستوری زمان، مطابقت و نمود بیانگر مفهوم پایان کار هستند و «x» محتوای گزاره‌ای ترکیب مورد نظر است.

۷. علی از نوشتن نامه برای دوستش دست کشید.

از نوشتن دست کشید [علی، نامه، برای دوستش]

دست کشید = مفهوم توقف کار، زمان گذشته، سوم شخص مفرد

نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل

## ۲-۳. زمان آینده

در صرف زمان آینده، *خواستن* «x»، تصریف زمان حال فعل «خواستن» با صورت گزاره‌ای فعلی همراه می‌شود و طبیعتاً در چنین حالتی، یک ردیف واحد از موضوع‌های فعلی اختیار می‌شود.

۸. علی برای دوستش نامه‌ای خواهد نوشت.

خواهد نوشت / علی، نامه، برای دوستش/

خواهد = مفهوم زمان آینده، سوم شخص، مفرد

نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل

## ۳-۳. وجه‌نمایی

وجه‌نمایی<sup>۱۵</sup> با دیدگاه گوینده نسبت به محتوای جمله در ارتباط است. لاینز<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۷: ۴۲۵) وجه‌نمایی را به‌عنوان انعکاس دیدگاه گوینده به سه بخش تقسیم می‌کند: آرزو و قصد، لزوم و اجبار و قطعیت و امکان. پالمر<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۴: ۹۷) همانند لاینز و با اتخاذ رویکرد رده‌شناختی، مفهوم وجه را به سه بخش اصلی برداشتی<sup>۱۸</sup>، درخواستی<sup>۱۹</sup> و توانمندی<sup>۲۰</sup> تقسیم می‌کند. در مفهوم وجه، فردبنیادی<sup>۲۱</sup> و واقعیت‌بنیاد<sup>۲۲</sup> نبودن از ویژگی‌های اصلی است و چون وجه توانمندی این ویژگی‌ها را ندارد، برخی آن را از بحث وجه خارج می‌دانند. در ادامه، صورت‌های چندپاره مرتب با دو وجه برداشتی (معادل وجه برداشتی در فهرست عملگرهای ون‌ولین که سیطره‌اش بر کل بند است) و درخواستی (معادل وجه‌نمایی در فهرست عملگرهای ون‌ولین که سیطره‌اش بر بخش اصلی است) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۳-۳-۱. وجه برداشتی

در صورت‌های فعلی «احتمال x بود/ وجود داشت» و «امکان x بود/ وجود داشت»، میزان قطعیت فعل مطرح است. «احتمال / امکان داشت»، وجه فعل و «x» محتوای گزاره‌ای فعل را نشان می‌دهد. در این حالت، یک گروه، موضوع فعلی واحد اختیار می‌شود.

۹. احتمال رفتن علی به جلسه وجود دارد.

احتمال رفتن وجود دارد [علی، به جلسه]  
 احتمال = مفهوم وجه برداشتی  
 وجود داشتن = زمان حال، سوم شخص مفرد  
 رفتن = گزارهٔ فعلی

در صورت‌های فعلی «می‌توان X» و «می‌شود X» که آنها هم از مصادیق وجه‌نمایی در زبان فارسی هستند، گاه دو بخش وجه‌نما و بخش گزاره‌ای، از هم جدا می‌شوند؛ بنابراین، طبق شرط «هم‌جواری سازه‌های پیوند» برای اتصال هسته‌ای، در دستور لایه‌ای صورت‌های فعلی «می‌توان X» و «می‌شود X» در گروه اتصال هسته‌ای نخواهند بود.

### ۲-۳-۲. وجه درخواستی

در صورت‌های فعلی «قصد X داشت»، «تمایل به X داشت»، «مایل به X بود»، «در پی/ درصدد/ دنبال X است»، X محتوای گزاره‌ای ترکیب و «تمایل داشتن»، «قصد داشتن»، «مایل بودن» و «در پی/ درصدد یا دنبال بودن»، وجه درخواستی فعل را نشان می‌دهند و ترکیب هر دو بخش با هم، یک ردیف موضوع فعلی واحد ارائه می‌کند.

۱۰. علی تمایل به نوشتن نامه برای دوستش دارد.

تمایل به نوشتن داشتن [علی، نامه، برای دوستش]  
 تمایل = مفهوم وجه درخواستی  
 داشتن = زمان حال، سوم شخص مفرد  
 نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل

### ۲-۴. نفی

در زبان فارسی، منفی‌سازی عمدتاً با پیشوندافزایی صورت می‌گیرد. به‌جز این نوع منفی‌سازی در زبان فارسی، صورت فعلی «نکرد X»، ساخت منفی به دست می‌دهد. در این شرایط، «نکرد» به‌عنوان منفی‌ساز با مفهوم گزاره‌ای فعل با هم جمع می‌شوند و به صورت یک ترکیب فعلی، یک

ردیف موضوع واحد فعلی را ارائه می‌کنند. بیشتر افعال زبان فارسی می‌توانند در این ساخت با «x» جایگزین شوند.

۱۱. علی نکرد برای دوستش نامه‌ای بنویسد.

نکرد بنویسد [علی، نامه، برای دوستش]

نکرد = منفی‌ساز، زمان گذشته، سوم شخص مفرد

نوشتن = محتوای گزاره‌ای فعل، سوم شخص مفرد

### ۳-۵. گزاره چندبخشی

در برخی موارد در زبان فارسی به ترکیبات چندپاره فعلی برمی‌خوریم که دو گزاره فعلی، اسمی یا صفتی با هم ترکیب شده‌اند و اکنون در هیئت یک صورت فعلی واحد ایفای نقش می‌کنند. در صورت‌های فعلی «براز x کرد» و «اظهار x کرد»، «براز کردن» و «اظهار کردن» بخشی از معنای گزاره‌ای فعل و «x» بخش دیگری از معنای گزاره‌ای را نشان می‌دهند و با هم یک ردیف موضوع فعلی واحد اختیار می‌کنند.

۱۲. علی از وجود آن کتاب اظهار بی‌اطلاعی کرد.

اظهار بی‌اطلاعی کرد [علی، از وجود کتاب]

اظهار کرد = نشان داد

بی‌اطلاعی = بی‌خبر بودن

همچنین، در صورت‌های فعلی حاوی صفت به‌اضافه «به نظر رسیدن» و «نشان دادن»، صفت و بخش دوم عبارت، هر دو، به‌عنوان محتوای گزاره‌ای فعل ایفای نقش می‌کنند.

۱۳. علی خسته به نظر می‌رسد.

خسته به نظر رسیدن [علی]

به نظر رسیدن = محتوای گزاره‌ای، زمان حال، سوم شخص مفرد

خسته = محتوای گزاره‌ای

لازم به توضیح است که در این نوع از ترکیبات فعلی نیز مشخصه‌های دستوری فعل شامل زمان، وجه‌نمایی، نمود، مطابقه و مانند آن می‌توانند خود، بخشی جدا از معنی گزاره‌ای فعل باشند.

#### ۴. روابط اتصال هسته‌ای

##### ۴-۱. همپایه‌سازی هسته‌ای

در همپایه‌سازی در سطح هسته، دو واحد زبانی، مستقل و بدون وابستگی به هم، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این همپایگی چون در سطح هسته است، نتیجه یک محمول گزاره‌ای یکپارچه است که در عین استقلال تصریفی اجزا، یک ردیف موضوع واحد برای کل آن اختیار می‌شود. برای همپایگی در سطح هسته دو ویژگی باید احراز شود:

۱. دو عبارت زبانی مورد نظر باید به صورت یک عبارت گزاره‌ای واحد نمایش داده شوند.

۲. هر واحد، معنای رابطه‌ای چون مشخصه‌های شخص و شمار، زمان دستوری و مانند آن را به صورت مستقل نمایش می‌دهد.

در صورت فعلی «بیا برویم»، «بیا» ثابت است و به‌عنوان علامتی برای دعوت و قصد انجام کار به شمار می‌رود و «برویم»، بخش معنایی فعل است که با هر فعل دیگری می‌تواند جایگزین شود. هر یک از این دو بخش به لحاظ ویژگی‌های دستوری فعل مستقل هستند و هر کدام به‌طور جداگانه تصریف شخص، شمار و زمان گرفته‌اند. بر این اساس، پیوند آنها از نوع همپایه‌سازی است و از آنجا که حاصل آن یک صورت فعلی است، اتصال آن از نوع هسته‌ای در نظر گرفته می‌شود.

لازم به توضیح است که در منفی‌سازی، تنها یکی از بخش‌ها علامت نفی می‌گیرد، ولی در هر حال، کل عبارت منفی می‌شود و این خود گواهی بر یکپارچگی معنایی آن است.

##### ۴-۲. شبه‌ناهمپایه‌سازی هسته‌ای

در شبه‌ناهمپایه‌سازی در سطح هسته دو بخش فعلی در شرایطی در کنار هم قرار می‌گیرند و به‌عنوان شرط لازم این نوع پیوند ردیف یکسانی از موضوع‌های فعلی به نمایش می‌گذارند که ظاهر ترکیب همانند همپایه‌سازی است و اجزای ترکیب در ظاهر از هم مستقل هستند، اما در واقعیت به هم وابسته‌اند؛ بنابراین، برای این نوع رابطه، سه ویژگی باید احراز شود:

۱. نتیجهٔ پیوند، یک فعل واحد با نقش‌های معنایی واحد باشد.

۲. به جهت ظاهر مستقل، هر بخش باید ویژگی‌های دستوری فعل را مستقلاً حمل کند.

۳. اجزای پیوند در معنای گزاره‌ای یا دستوری به هم وابسته‌اند.

در صورت‌های فعلی «درآمد گفت»، «پاشد آمد»، «گرفت نشست»، «برگشت گفت» و «برداشت نوشت»، بخش گزاره‌ای فعل (گفت، آمد، نشست، نوشت) با تصریف مستقل در کنار بخش دستوری فعل (درآمد، پاشد، گرفت، برگشت، برداشت) قرار می‌گیرد که آن هم تصریف زمان و شخص و شمار مستقل دارد؛ بنابراین، این دو صورت به‌ظاهر از هم مستقل هستند، اما همان‌طور که گفته شد، بخش گزاره‌ای فعل در نشان دادن نمود فعل، به بخش اول وابسته است و از همین رو، این نوع پیوند به‌جای آنکه نمونه‌ای از همپایه‌سازی باشد، شبه‌ناهمپایه‌سازی در نظر گرفته می‌شود.

در صورت‌های فعلی «داشتم می‌رفتم» و «دارم می‌روم» نیز وضع همین‌گونه است؛ بخش گزاره‌ای فعل یعنی «رفتن» در کنار بخش نمودساز فعل قرار می‌گیرد، ولی درعین‌حال، خود، تصریف جدا و مستقل دارد. تصریف جدا برای هر دو بخش سبب می‌شود تا پیوند در این نوع ترکیب از نوع همپایه‌سازی به نظر آید، اما از آنجا که بخش گزاره‌ای فعل در نشان دادن نمود استمرار، به «داشتم» و «دارم» وابسته است و صورت‌های «داشتم» و «دارم» به محتوای گزاره‌ای «رفتن»، این پیوند نیز در گروه پیوندهای شبه‌ناهمپایه‌سازی قرار می‌گیرد.

#### ۴-۳. ناهمپایه‌سازی هسته‌ای

در ناهمپایه‌سازی، دو هسته فعلی در کنار هم قرار می‌گیرند و با هم ردیفی از موضوع‌های فعلی یکسان ارائه می‌کنند. در این نوع پیوند، یکی از اجزای پیوند به بخش دیگر وابسته است.

برای ناهمپایه‌سازی در سطح هسته سه ویژگی باید احراز شود:

۱. دو عبارت زبانی مورد نظر در همپایه‌سازی هسته‌ای باید یک معنای گزاره‌ای واحد را منتقل کنند.

۲. اجزای پیوند، هر دو، باید یک ردیف از نقش‌های معنایی مشترک را انتخاب کنند.

۳. اجزای پیوند از هم مستقل نیستند و یکی به‌عنوان معنای گزاره‌ای فعل و دیگری به‌عنوان مشخصه دستوری یا بخش دوم محتوای گزاره‌ای، ایفای نقش می‌کند.

صورت‌های فعلی دارای نمود ناقص، در قالب «در حال / مشغول / درگیر و گرم X است»، پیوند از نوع ناهمپایه‌سازی به شمار می‌روند؛ به این ترتیب که گزارهٔ فعلی به صورت مصدری و بخش نمودی به همراه دیگر مشخصه‌های دستوری فعل شامل زمان، شخص و شمار با هم پیوند می‌خورند. بخش دستوری به لحاظ محتوای معنایی به گزارهٔ فعلی و بخش مصدری به لحاظ مشخصه‌های دستوری به بخش دوم وابسته است. این ویژگی در مورد نمود آغازی و در ترکیبات «شروع / آغاز / اقدام به X کرد»، «دست به X زد»، «به X مبادرت ورزید» و «به X پرداخت» و در خصوص نمود پایانی و در ترکیبات «به X پایان داد» و «دست از X کشید» نیز صادق است.

در خصوص وجه برداشتی نیز بخش بیان احتمال فعل، به‌عنوان ویژگی دستوری، به محتوای گزاره‌ای فعل و بخش گزاره‌ای به ویژگی‌های دستوری وابسته است. همچنین، در وجه درخواستی نیز در ترکیب‌های «قصد X دارد»، «تمایل به X دارد»، «مایل به X است» و «در پی / درصدد / دنبال X است»، گزارهٔ فعلی و بخش دستوری به هم وابسته هستند.

در زمان آینده هم پیوندی از نوع ناهمپایه‌سازی در سطح هسته داریم. فعل «خواستن» به صورت صرف‌شده نمایندهٔ زمان آینده و ویژگی‌های شخص و شمار ترکیب فعلی است و مصدر مرخم فعلی، به‌عنوان بخش گزاره‌ای ترکیب ایفای نقش می‌کند و ارائهٔ یک ردیف موضوع واحد نیز سبب می‌شود تا این پیوند در ردیف اتصال‌های هسته‌ای باشد.

در منفی‌سازی و در صورت ترکیبی «نکرد X»، پیوند از نوع ناهمپایه‌سازی است. در این نوع پیوند، «X» محتوای گزاره‌ای فعل است که خود می‌تواند به صورت بسیط یا مرکب باشد (بنویسد / به رشتهٔ تحریر درآورد) و صورت «نکرد»، تمام جنبه‌های مطابقه، زمان و عنصر نفی را بر خود حمل می‌کند و از این رو، گزارهٔ «X» را به خود وابسته می‌کند.

در همین بخش، ترکیبات فعلی که محتوای معنایی دوپاره دارند نیز مطرح هستند. در عبارت فعلی «ظهار بی‌اطلاعی کرد»، دو بخش گزاره‌ای «ظهار کرد» و «بی‌اطلاع است» در کنار هم قرار گرفته‌اند و یک بخش به لحاظ مشخصه‌های دستوری فعل به بخش دیگر وابسته شده است («بی‌اطلاع است» به «ظهار کرد» وابسته است). همچنین، در ترکیبات «X به نظر رسیدن» (مثل:

علی خسته به نظر می‌رسد)، هم مفهوم گزاره‌ای خسته بودن و هم نمایاندن، با هم و در کنار هم یک ترکیب فعلی واحد به دست داده‌اند.

### ۵. نتیجه‌گیری

در زبان فارسی مفاهیم زمان، نمود، وجه و کنش فعلی صورت‌های فعلی‌ای را به دست می‌دهند که می‌توانند مصداق اتصال هسته‌ای ون‌ولین باشند. در این موارد، گزاره معنایی فعل از معنای دستوری آن جدا می‌شود و در همراهی با هم، به صورت یک ترکیب مطرح می‌شوند. در این موارد، از آنجا که نتیجه ترکیب، صورت فعلی‌ای به دست می‌دهد که به صورت یکپارچه، یک ردیف موضوع معنایی واحد ارائه می‌کند، ترکیب حاصل، اتصال هسته‌ای در نظر گرفته می‌شود.

در هر یک از صورت‌های فعلی که در جدول زیر به‌طور خلاصه ذکر شده است، بخش معنایی فعل با «x» نشان داده شده است و بخش دستوری فعل، در چهار زیربخش کلی معرفی شده‌اند.

جدول ۱) فهرستی از افعال چندپاره زبان فارسی

	آغازی	شروع به x کرد اقدام به x کرد آغاز به x کرد	مشغول به x شد دست به x زد به x پرداخت	پاشد x زد x دراومد x	به x مبادرت ورزید افتاد به x گرفت x
نمود	استمراری	در حال x است مشغول x است	درگیر x است دارد x		گرم x است
	پایانی	به x پایان / خاتمه داد دست از x کشید	دست از x برداشت		
وجه	برداشتی	امکان x وجود دارد احتمال x می‌رود	می‌توان x می‌شود x		
	درخواستی	تمایل به x دارد مایل به x بود	درصدد x است قصد x دارد		در پی x است دنبال x است
زمان	آینده	خواهد x			
نفی	نفی	نکرد x			



منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا. (۱۳۹۰). انواع نمود واژگانی در افعال فارسی، *مجلهٔ ادب فارسی*، دورهٔ جدید شمارهٔ ۶. ۱۰۱-۱۲۰.
- اخلاقی، فریار. (۱۳۸۶). بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز، دستور. ج ۳. ۸۲-۱۳۲.
- پیکرهٔ دادگان معنایی زبان فارسی، (۱۳۹۳). <http://dadegan.ir>.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۹۰). معرفی و نقد کتاب مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی. دستور. ج ۷. ۲۲۳-۲۹۳.
- میرزائی، آزاده. (۱۳۹۲). ساخت اطلاع در بندهای متممی زبان فارسی. دستور. ج ۹. ۹۳-۱۴۱.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۸۹). افعال معین و نمایش نمود در زبان فارسی. *ادب پژوهی*. ش ۱۴. ۹۳-۱۱۰.
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyons, John. (1977). *Semantics*. 2 vols., Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1974). *The English verb*, London, Longman.
- Van Valin, Robert. D. Jr., (1993). "A synopsis of role and reference grammar". R. D. Van Valin (ed.). *Advances in role and reference grammar*. Amsterdam: John Benjamins. 1-164.
- \_\_\_\_\_. (1998). "The acquisition of WH-questions and the mechanisms of language acquisition". Michael Tomasello, (ed.). *The new psychology of language: cognitive and functional approaches to language structure*. Mahwah, NJ: LEA. 221-49.
- \_\_\_\_\_. (2005). *Exploring the syntax- semantics interface*. Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ and R. J. Lapolla, (1997). *Syntax: structure, meaning and function*. Cambridge University Press.

پی نوشت:

1. Van Valin
2. nuclear
3. core
4. operator
5. K. Franklin
6. M. Olson
7. layered structure
8. juncture
9. nuclear juncture
10. core juncture
11. clausal juncture
12. R. J. Lapolla
13. Barai
14. Comrie
15. modality
16. Lyons
17. Palmer
18. epistemic
19. deontic
20. dynamic
21. subjectivity
22. factuality

